

* رابطه فرهنگ و اقتصاد از منظر اسلام*

□ عباسعلی محمدی^۱

چکیده

در مسیر رشد و شکوفایی یک ملت، تغییر نگاه مردم به چگونگی توأم‌نده‌های خود و استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی و اعتقادی، زینه دست‌یابی به اقتصادی کارآمد و مترقی را فراهم خواهد ساخت. لذا «فرهنگ» به عنوان یک اصل بسیار مهم و ضروری، نقش خود را در کنار «اقتصاد»، بیش از بیش آشکار خواهد ساخت.

رهبر معظم انقلاب^۲، به عنوان بهترین دیدبان نظام اسلامی، با درک صحیح از شرایط و نیاز کنونی کشور، سال جاری را نیز به نام سال «اقتصاد و فرهنگ همراه با عزم ملی و مدیریت جهادی» نام‌گذاری نمودند و بهانه شد تا با توجه به اهمیت موضوع، مقاله‌ای تحت عنوان «رابطه فرهنگ و اقتصاد از منظر اسلام» نگارش نموده و رابطه و تأثیر آن را بر «اقتصاد و فرهنگ» مورد تحلیل و بازنگری قرار دهیم، زیرا به نظر می‌رسد این امر بتواند کمک شایانی را به عنوان بازویان فرهنگی در بخش مدیریت جهادی و اقتصاد سالم و معالی، ایفا نماید.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۶/۲۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۲۲.

۱. ۲۲

۱. کارشناس ارشد الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی یادگار امام mohammadiabbasali_3168@yahoo.com

در این نوشتار سعی شده است تا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، به روش تحلیلی توصیفی به سؤال اصلی تحقیق مبنی بر این که «آیا اساساً از دیدگاه اسلام میان فرهنگ دینی، کار و اقتصاد، رابطه‌ای برقرار می‌باشد؟»، با ارائه مطالبی همچون فرهنگ کار و تلاش از دیدگاه آیات و روایات، آثار و برکات کار، نگاه اسلام به مقوله عافیت طلبی، جایگاه تعطیلی در اسلام و... پاسخ داده و آن را مورد نقد و بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: فرهنگ، کار، اسلام، کارگر، تعطیلی.

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و از دیرباز برای رفع مایحتاج خود ملزم به کار و تلاش بوده است که با توجه به رشد اجتماعی و تغییر کلی در شیوه و روش زندگی، یعنی از مدل‌های تک نفری به شکل گروهی و جمعی امروزی، نوع نگاه و نگرش فرهنگی و اجتماعی او، در کسب احتیاجات روزمره وی بسیار مفید و مهم می‌باشد. در این راستا به نظر می‌رسد، دو عنصر کار و کارگر، پایه و استوانه‌های اساسی پیشرفت هر کشور هستند.

اسلام، سعادت و سلامت هر جامعه و رشد و ترقی آن را مرهون کار دانسته و بقاء و دوام خانواده را نیز منوط به آن می‌داند و انسان‌ها را، صرف نظر از آن که دارای چه عنوان و موقعیتی هستند، توصیه به کار و تلاش نموده و ارزش کار درست و شایسته را متوجه با عبادت قلمداد می‌کند.

البته در کنار این دو مؤلفه، عنصری به نام «مدیریت کارآمد و فعال» را نباید نادیده گرفت. مدیریتی که به دور از هرگونه تجمل و تفاخر، با توصل به روحیه‌ای جهادگرانه، پشتکاری قوی و فکری خلاق، که همواره سعی در هدایت نیروی کار، به سوی مسیری صحیح و کارآمدتر را داشته باشد.

در این میان، «مدیریت جهادی» اصطلاحی است که ما آن را در اوایل انقلاب و زمان دفاع مقدس با ظهور نهادهایی همچون جهاد سازندگی، نیروی مقاومت بسیج و امثال آن، در کنار سایر سازمان‌ها و بنیادهای مردمی و مردم نهاد با همراهی دیگر ادارات و وزارت‌خانه‌های نظام، بارها تجربه نموده و ضرورت و

تأثیرگذاری و نقش کلیدی و حیاتی آن را در کرده‌یم.

کارگر، کارمند، مدیر و... هر یک به نوبه خود و بنابر سهم و رسالت خویش،
کاری را عهده‌دار می‌شوند و باید همگان با به کار بستن همت و هنر خود، علاوه
بر این که زندگی خود را تأمین می‌کنند، به رونق اقتصادی جامعه کمک نموده و
آن را تداوم بخشنده.

(۲۵) بدون تحرک و پویایی همگان، این مهم محقق نخواهد شد و در این راستا،
عزم جدی و همگانی را در همه عرصه‌ها می‌طلبد، که ما از آن به عنوان «عزم
ملی» نام خواهیم برد. بنابراین عزم ملی یعنی شکوفایی ظرفیت و همت همه جانبه
یک ملت و این که هر فرد به مثابه یک عضو از اعضاء بدن، در پیکره جامعه
مؤثر بوده و بی تفاوتی او باعث اختلال و ناکارامدی در قسمتی از چرخه رشد و
توسعه خواهد شد.

با مطالعه آیات و روایات، همه این اقدامات و تلاش‌ها، عبادتی بزرگ و
عملی الهی محسوب می‌شود. از این روی، هر کس بتواند زمینه کار شایسته‌ای را
فراهم نماید، عبادتی الهی انجام داده است.

در قرآن کریم آیات فراوانی است که انسان را تشویق و توصیه به طلب
روزی حلال می‌نماید و ما در قرآن کریم با عباراتی همچون «عمل» به معنای کار
و کردار، ۳۶۶ مورد، «کسب» به معنای روزی، ۶۶ مرتبه، «سعی» به معنای تلاش،
۳۰ بار، «جهد» به معنای کوشش، ۴۱ مورد، « فعل» یعنی کار، ۱۰۷ مرتبه، مواجهه
خواهیم بود، که این حجم از لغات در کتاب آسمانی مسلمانان، به نوعی بیان گر
اهمیت و تأثیر جایگاه کار و کارگر می‌باشد که از ناحیه خالق هستی به پیامبر
اسلام ﷺ ابلاغ شده است.

پس از بررسی پیرامون اهمیت و جایگاه کار، تلاش، جهد و سعی مطالعه
بیاناتی در خصوص نکوهش و مذمت پیرامون تعطیلی، عافیت طلبی، بی کاری و
تنپروری در احکام اسلامی، قابل تأمل می‌باشد.

اگر ما عملکرد و تلاش کارگر، کارمند و مدیر را در مجموع، مشمول

اصطلاح «کارگر» (یعنی فردی که به نوعی مشغول فعلی می‌باشد) بدانیم، باید گفت: کارگر مسلمان باید کارش را بالاتر و بهتر از معیارها و استانداردهای جهانی کار اجرا کند و این یعنی همان رفتار جهادگرانه و جهادگونه اسلامی.

در ادامه برای فهم و درک بهتر نقش و جایگاه کار و کارگر در آیین اسلامی و آثار مترتب بر آن، به تبیین بیشتر مفهوم و ارزش کار، به همراه برخی پیامدهای مثبت و منفی ناشی از «اصلاح فرهنگی در حوزه کار و کارآفرینی» خواهیم پرداخت.

واژه کار از نگاه اسلام

«کار» در فارسی به معانی مختلف از جمله به معنی شغل، عمل، پیشه، صنعت و هنر، رنج و زحمت، حاجت، احتیاج و وسیله معيشت به کار رفته است (معین، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۲۷۸۹).

کلسن، تعریف کار را این گونه می‌داند: استفاده‌ای که انسان از نیروهای مادی و معنوی خود در راه تولید ثروت یا ایجاد خدمات می‌کند (توسلی، ۱۳۷۵، ص ۹). براساس این تعریف، کار به طور عمدۀ از طریق اهداف و ارزش محصولی که تولید شده معین می‌گردد؛ به عبارت دیگر کار زمینه را برای تولید و افزایش خدمات ایجاد می‌کند. به طور کلی «کار» عبارت است از مجموعه عملیاتی که انسان با استفاده از مغز، دست‌ها، ابزار و ماشین‌ها برای استفاده عملی از ماده روی آن انجام می‌دهد و این اعمال نیز متقابلاً بر انسان اثر می‌گذارد و او را تغییر می‌دهد (همان، ص ۱۰).

براساس تعریف مذکور «کار» دارای سه ویژگی فکر، تولید و درآمد می‌باشد. یعنی ابتدا کار عبارت است از تلاش مبتنی بر فعالیت فکری و بدنی؛ سپس آن که از طریق کار، کالا و محصولی تولید شود و یا خدمتی عرضه گردد و در نهایت این که، باید در قبال انجام کار، حقوق و درآمدی کسب شود.

از نگاه اسلامی می‌توان کار و شغل را به انواع ذیل تقسیم نمود:

الف - کارهای واجب؛ همچون کار کردن برای تأمین مایحتاج خود و دیگران و اموری که در صورت کوتاهی و عدم انجام آن، موجب وقفه در فرایند زندگی اجتماعی خواهد شد؛

ب - کارهای حرام؛ اموری که برابر احکام شرع مقدس، برای جامعه مضر و زیان آور می‌باشد؛ همانند خمرسازی؛ حضور در سپاه کفر، اقدامات تخریبی و ترویریستی علیه مسلمانان و بشریت؛

ج - کارهای مستحب؛ از قبیل فعالیت‌هایی که به عمران جامعه منجر می‌شود؛ همانند مدرسه سازی، ساخت مسجد، کمک به محرومان، کمک به رشد و استقلال ملی مسلمین، فعالیت‌های تبلیغی، کمک فکری، فرهنگی و اقتصادی به کشور؛

د - کارهای مکروه؛ اقداماتی که در اسلام از آن نهی نشده و انجام آن مورد عقوبت قرار نخواهد گرفت؛ ولی شایسته‌تر آن است که حتی الامکان انجام نگیرد یا راه دیگری را برای ارتزاق انتخاب نماید؛ مانند قصابی و...؛

ه - کارهای مباح؛ کارهایی که انجام دادن و یا ندادن آن تفاوتی نمی‌کند. از منظر حضرت علی علیه السلام کارها به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف - کارهای شایسته؛

ب - کارهای ناشایسته.

کارهای شایسته عبارتند از کارهایی که دارای ویژگی زیر باشد:

ابتدا آن که افراد با انجام آن به سوی حقیقت و خداوند نزدیک‌تر شوند؛ به عبارت دیگر کار زمینه‌ای برای ایجاد ارتباط بین مخلوق و خالق گردد. در این زمینه ایشان می‌فرماید: «افضل العمل ما أريد به وجه الله» (شيخ الاسلامی، بی‌تا)، (۲، ص ۱۰۳۸)؛ برترین عمل آن است که به قصد نزدیکی به خدا انجام شود.

دوم، آن که کارها باید کاملاً منطبق و مبتنی بر موازین شرعی باشد و شارع مقدس آن را برای سلامتی جامعه مفید بداند. در این زمینه حضرت می‌فرمایند: «أحسن الافعال ما وافق الحق» (همان، ص ۱۰۳۹)؛ نیکوترین کارها آن است که

موافق با حق باشد.

سوم آن که، کاری را باید در جامعه شایسته دانست که انجام آن، موجب ضرر و زیان فردی و اجتماعی نشود؛ به عنوان مثال، نه تنها به فساد و انحراف در جامعه منجر نشود؛ بلکه انسان را از خطا و اشتباه مصون نگه دارد و موجب رشد افعال خیر و نیک افراد جامعه گردد.

از حضرت علی علیہ السلام نقل شده است: «أَحْسَنُ الْفَعَالِ الْكَفُّ عَنِ الْقَبِيْحِ» (همان)؛ نیکوترین کار باز ایستادن از کار زشت است.

چهارمین ویژگی امور شایسته، این است که علاوه بر دارا بودن خصائص مذکور، نیت و قصد انجام دهنده، خیر و صلاح افراد جامعه باشد؛ زیرا هدف دار بودن کار و تلاش باعث می‌شود راه و مسیر آن کار معلوم باشد و افراد و جامعه دچار سرگردانی نگردد. حضرت علی علیہ السلام در این باره می‌فرمایند: «لَا يَكُملُ صَالِحُ الْعَمَلُ إِلَّا بِصَالِحِ النِّيَةِ» (همان، ص ۱۰۵۵)؛ شایستگی عمل کامل نمی‌گردد، مگر به شایستگی نیست.

و نهایتاً این که پنجمین و مهم‌ترین ویژگی کارهای شایسته آن است که حلال و طاهر باشد. شارع مقدس چنین کارهایی را برای افراد جامعه مفید دانسته و برخورداری از تبعات دنیوی و اخروی آن را مطلوب بر شمرده است. از حضرت علی علیہ السلام نقل است: «الحرفة مع العفة خير من الغنى مع الفجور» (دشتی، ۱۳۷۹، نامه ۳۱، صص ۵۲۲-۵۳۳)؛ شغل همراه با پاکدامنی از ثروت فراوانی که با گناهان به دست آید، بهتر است. آنچه از این روایت نتیجه گرفته می‌شود، این است که کار و تلاش نباید به گناه و فساد مبتلا شود و هیچ حقی نباید از کسی ضایع گردد.

بنابر فرمایش امیر مؤمنان علیہ السلام تقسیم‌بندی و توضیح امور ناشایست و ناروا به شرح ذیل می‌باشد:

اولین نشانه کارهای ناشایست آن است که انجام آن برای انسان، مایه شرمندگی باشد. حضرت علی علیہ السلام در این باره می‌فرمایند: «احذر كل عمل يُعمل به

فی السر و یستحی منه فی العلانية» (همان، نامه ۶۹)؛ پرهیز از هر کاری که در نهان انجام گیرد و در آشکار شرمندگی آورد. بنابراین فرد باید کاری که اگر علنی شد، موجب شرم‌ساری می‌شود را انجام دهد.

(۲۹)

در امور ناروا و ناپسند، وقتی از عوامل آن سؤال شود، نه تنها به خود مباهات نمی‌کند، بلکه احساس سرافکندگی و ندامت دارد. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرمایند: «احذر کل عمل اذا سئل عنه صاحبه، استتحبی منه و انکره» (شیخ الاسلامی، ص ۱۰۳۶)؛ از هر عملی که وقتی از صاحب‌ش پرسیده شود، از آن شرم نموده، آن را انکار کند و دوری کن.

دومین ویژگی کار ناشایست، همراه بودن ضرر و زیان برای فرد و جامعه است و پیامدهای ناگواری که حاصل از آن ضرر و زیان به بار خواهد نشست. این گونه اقدامات اگر توسعه یابد، به تدریج همه نظام اجتماعی را از حالت زندگی متعادل خارج خواهد کرد.

بنابر گفته پولکس فن، مردم سرچشمۀ ثروت‌های مقول بوده و افزایش ثروت از کار و زحمت آنها ناشی می‌شود (میک، ۱۳۵۸، ص ۲۲). پس باید گفت، تأثیر نادرست بر سرچشمۀ های ثروت موجب زوال آن ثروت خواهد شد. پس از بیان تعاریف کار و انواع آن از منظر اسلامی و برخی جامعه شناسان، که باید گفت: بر مبنای آموزه‌های دینی و آیین اسلامی، کار عین عبادت است. با نگرش به تاریخ ادیان و سیره انبیاء الهی و معصومین علیهم السلام، به این واقعیت مهم می‌رسیم که در طول قرون متعددی، هادیان بشر علاوه بر نقش رسالت و هدایت بشر، در کنار آن مسؤولیت سنگین، به امر اشتغال - کارگری - مشغول بودند تا بتوانند معیشت و اقتصاد خانواده و جامعه را به پویایی و کمال برسانند (ر.ک: دفتر تبلیغات اسلامی وزارت کار، کار و عبادت، ص ۷۵).

در این بین، علاوه بر انبیاء گذشته علیهم السلام، آخرین فرستاده خدا علیهم السلام از این امر مستثنی نبوده و تاریخ گواه این مدعاست. وقتی سیره عملی پیرامون کار و زندگی حضرت علی علیهم السلام را مرور می‌کنیم، در گوشۀ‌هایی از سرزین وحی و به

خصوص در مدینة النبی، یادبودهایی از تلاش عملی و پایدار امیر مؤمنان علیہ السلام را مشاهده می کنیم که با دشواری های بسیار زیاد به ثمر نشاندند.

مفهوم واژه فرهنگ

فرهنگ، دارای معانی و تعاریف متعدد و بسیاری است. برخی اندیشمندان همچون تایلر، معتقدند که فرهنگ مجموعه ای از آداب، رسوم و سنت هاست که از نسلی به نسل دیگر، قابل انتقال است و برخی معتقدند ارزش ها، باورها و داشته ها و سرمایه معنوی یک ملت را فرهنگ گویند، اما آنچه از فرهنگ در این نوشتاب مد نظر می باشد عبارت است از چیزی که موجب رشد و توسعه مادی و معنوی انسانی می شود و به حفظ هویت او و استقلال و عدم وابستگی وی خواهد انجامید و از انحطاط و ابتدا در عرصه اعتقادی، اقتصادی و اجتماعی جلوگیری می نماید.

البته در فرهنگ کار، نگاه ما تنها متوجه یک گروه خاص به نام «کارگر» نخواهد بود، بلکه برای رشد، توسعه و بالندگی در عرصه کار، هم باید به ملت توجه نمود، هم به دولت. در پازل فرهنگ کار هم، باید تشویق کالای داخلی و حمایت از تولید را مدنظر قرار داد، هم عنصر اعتماد و صداقت، کیفیت و حقوق مصرف کننده را، که البته هریک از مؤلفه های دولت، ملت، تولید کننده، مصرف کننده و یا کارگر و کارفرما، وظایفی را به عهده دارند. به عنوان نمونه یک نکته اساسی که در باب کار وجود دارد و کار آفرینان باید به آن توجه کنند، مسئله مرغوبیت تولید داخلی است.

کشورهای ابرقدرت و نظام سرمایه داری با برنامه ریزی و استفاده از روش «تغییر در نگاه فرهنگی مردم کشورهای وارد کننده» با ترغیب و تشویق آنان به مصرف گرایی و استفاده از محصولات و اجناس وارداتی شرکت های چند ملیتی توانسته اند بر هویت، اقتصاد، فرهنگ و سایر ارکان ملت ها تأثیر گذاشته و آنها را تحت سیطره قدرت خود، مطیع و فرمانبردار فرهنگی اقتصادی قرار دهند و با

سوء استفاده از این شیوه، ضمن نگاه داشتن این ملت‌ها در عقب ماندگی‌های گوناگون اجتماعی، زمینه رشد و ترقی و دریافت سودهای هنگفت را برای خود فراهم سازند.

بنابراین دریافت کلید و رمز موفقیت اقتصادی بدون توجه به فرهنگ، مسیری دست نیافتنی و انحرافی خواهد بود که ملت‌ها را در راه رسیدن به پیشرفت، دچار چالش‌ها و انحرافات زیادی خواهد نمود.

نظام جمهوری اسلامی؛ معتقد است که این دو عامل، یعنی در عرصه فرهنگی عامل کارآفرینی و در عرصه اقتصادی ایجاد بنگاه‌های اشتغال و کارآفرینی، یکی وجود نیروی کار است و انگیزه او. این‌ها باید هر دو باشند و همکاری کنند. مسؤولان نظام باید در مقابل تلاش‌های کارگران و کارکنان، خود را بی‌مسئولیت بدانند و باید بنابر سهم خود، به عنوان یکی از وظایف محوله، سعی و کوشش نمایند تا مشکلات جامعه کارگری کشور را جستجو کنند و آنها را برطرف نمایند، لذا رونق دادن به اشتغال و تشویق کارآفرینان و ایجاد بنگاه‌های کاری هم یکی از این کارهای لازم است و از کارهای دیگری که به عهده مسؤولین دولتی است، توسعه مهارت‌هاست (پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، www.leader.ir).

کار و تلاش، راهی برای نزدیکی و قرب الهی

خداوند در خطاب به حضرت موسی علیه السلام می‌فرمایند: ای موسی! من شش چیز را برای مردم در اعمالی قرار دادم که مردم آنها را در چیز و جای دیگری جستجو می‌کنند. اول آن که من راحتی را در بهشت قرار دادم، در حالی که مردم در دنیا به دنبال راحتی هستند. دوم این که من علم را در گرسنگی قرار دادم، در صورتی که مردم آن را در سیری دنبال می‌کنند. سوم این که من عزت را در دل شب (نماز شب) قرار داده‌ام، ولی مردم در قدرت و مقام و ثروت به دنبال آن هستند. چهارم آن که من بزرگی را در تواضع و فروتنی قرار دادم، اما مردم در کبر و

غور به دنبال آن می‌گردد. پنجم آن که من غنا را در بی‌نیازی افتادگی قرار دادم، ولی مردم در کالاهای دنیا به دنبال آن هستند و ششم این که من احابت دعا را در لقمه حلال قرار دادم، نه در قیل و قال مردم (محدث نوری، ج ۱۲، ص ۱۷۳).

با استفاده از این حدیث قدسی معلوم می‌شود که بدون کار و تلاش، کسب روزی حلال و قبول سختی و مشقت در دنیا، امکان رسیدن به رفاه و آسایش و آنچه خداوند خیر انسان قرار داده ممکن نخواهد شد.

کار و تلاش، از سیره تمام پیامبران الهی ﷺ بوده است. آنان قبل از بعثت، به اموری همچون دامداری، شبانی، کشاورزی، نجاری، خیاطی و... مشغول بوده و پس از بعثت در کنار امور تبلیغی و تشریعی و هدایت امت، به کسب معاش برای خویش و رشد و توسعه و آبادانی قلمرو حکومت خود تلاش می‌گردند.

اسلام برای کار و تلاش جایگاه والایی قائل شده است، تا جایی که کار کردن را یکی از بزرگ‌ترین عبادات و از راههای تقرب الهی بیان نموده است. امام صادق علیه السلام، سه چیز را موجب سعادت بیان می‌کنند. یکی از آنها، این است که انسان برای بهبود زندگی و کسب و میشت خود، صحّگاهان از خانه بیرون رود و شبانگاهان برگردد. در احکام اسلامی کسی که بانیت خیر و الهی و برای کسب معاش حلال تلاش و همت می‌کند، چنانچه در این راه به هر دلیل کشته شود، اجر و پاداش شهید را برای او برشمرده‌اند (حرانی، ۱۳۶۰، ص ۴۴۵).

کار و تلاش از شیوه و سنت انبیاء الهی ﷺ بوده است. روزی که قرار شد به دستور پیامبر اکرم ﷺ در شهر مدینه، مسجد النبی احداث شود، بسیاری از صحابه، مهاجرین و انصار در ساخت بنا، تلاش می‌گردند. شخصیت اول حکومت اسلامی، یعنی پیامبر مکرم اسلام ﷺ در کنار سایر افراد، در آن هوای گرم و سوزان کار می‌گردد. عده‌ای از وی خواستند تا ایشان به استراحت پرداخته و این گونه به خود سختی و مشقت ندهند؛ اما ایشان امتناع نموده و تا پایان، در کنار سایرین به فعالیت و کار و تلاش پرداختند.

امیرالمؤمنین علیه السلام از هر کسی متواضع تر بود. در امور خانه به همسر خویش کمک می‌کرد و شخصاً به کار و تلاش در مزرعه می‌پرداخت. با گلنگ زمین را می‌کند و آن را شیار و آبیاری می‌کرد و بارهای هسته خرما را روی شانه می‌گذشت و به صحراء می‌برد و بر زمین می‌فشدند و اگر یک دانه‌ای از آن بر زمین می‌افتد، خم می‌شد و آن را برمی‌داشت و می‌فرمود: امروز هسته است و فردا خرما (برقی قمی، (بی‌تا)، ص ۵۵). ایشان در طول عمر خویش علاوه بر رسالت زمامداری و امامت به کارهای زراعت و باغانی می‌پرداخت و درآمد آن را صرف فقرا و یتیمان و افسار پایین جامعه می‌نمود. وی در مورد اهمیت و ارزش کار و تلاش می‌فرمایند: کشیدن سنگ‌های گران از قله‌های کوه، نزد من از کشیدن منت دیگران محظوظ‌تر است. مردم به من می‌گویند: کار برای تو عیب است و حال آن که عیب آن است که انسان دست سؤال نزد مردم دراز کند (قریشی، ۱۳۶۶، ص ۶).

در اندیشه علوی، کار از آن چنان قداستی برخوردار است که مقرر داشت تا برتری بعضی از مردم بر برخی دیگر صرفاً براساس کار و فعالیت باشد؛ نه حسب و نسب موروثی و امتیازات قبیله‌ای و عشیره‌ای؛ چنان که گفت: «پاداش هر کس در مقابل کاری است که انجام می‌دهد» و در این‌باره چنان سخت گرفت که معروف شد، علی یاور هر کسی است که کار می‌کند و دشمن آن کسی است که به گدایی می‌پردازد (جردق، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۳۵). از این روی، در حکومت اسلامی، باید ملاک و میزان ما در پیشرفت توسعه، تأسی از مدیریت جهادی علوی و عزم ملی آن حکومت به عنوان بهترین مدل حکومتی در مسیر رشد و تعالی باشد.

قرآن کریم می‌فرماید: «و این که برای انسان جز حاصل تلاش او نیست و اینکه قطعاً سعی و تلاش او دیده خواهد شد و سپس در برابر کارش، جزا و پاداش کافی داده خواهد شد» (نجم ۴۱-۴۹). لذا کسب حلال و کار زیاد را، ابزاری برای رفاه دنیوی، کسب موقفيت، برتری انسان‌ها بر یکدیگر و نهایتاً

وسیله‌ای برای ورود به بهشت معرفی می‌کند.

نگاه متفاوت اسلام و غرب به ارزش «کار»

امروزه یکی از معیارهای مهم برای پیشرفت و سعادت جوامع غربی و دیگر جوامع پیرو مکاتب غرب، توجه آنان به شکل، نوع و کیفیت کار و فعالیت است. لذا در ارزش گذاری شخصیت، بین کار فیزیکی و فکری تبعیض‌هایی قائل شده و کارهای یدی و فیزیکی را فاقد ارزش دانسته و معمولاً این فعالیتها و کارها را به اقشار پایین جامعه واگذار می‌نمایند و نگاهی تحیرآمیز به آنان دارند که این امر با روحیه و مدیریت جهادی ناسازگار بوده و مغایرت دارد.

از منظر اسلامی بنابر فرمایش رسول گرامی اسلام ﷺ، «فضل الاعمال احمزها» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۶۷، ص ۲۳۷)؛ یعنی روح عمل مهم است و با فضیلت‌ترین کار، برابر است با پرمشقت‌ترین عمل. لذا هر کس کار سخت و پرمشقتی را قبول نماید، از اجر بیشتری برخوردار خواهد بود.

انیاء و اولیاء الهی ﷺ و در رأس آنان پیامبر اکرم ﷺ، از بدو تولد بهترین و محبوب‌ترین خلق نزد خالق هستی بوده‌اند، اما ایشان قبل از بعثت شبانی می‌کرد و با مال و سرمایه حضرت خدیجه ﷺ تجارت می‌نمود. حضرت موسی ﷺ نیز گله‌داری می‌کردند. حضرت ابراهیم ﷺ به کارهای چوپانی و بنایی اشتغال داشت و حضرت ادریس ﷺ خیاط و حضرت نوح ﷺ نجار بوده است (قریشی، ۱۳۶۶، صص ۵ و ۶).

در زمینه احترام و بزرگداشت کار و تلاش مفید و سودمند، حضرت رسول ﷺ صرفاً به تمجید و تعریف نپرداخته است، بلکه دستی را می‌بوسد که از کار و رم کرده و پینه بسته است و فرمودند: این دستی است که خدا و پیامبر ش آن را دوست دارند (جردق، ۱۷۲). یا این که می‌فرماید: خداوند بنده بالایمان پیشه‌ور را دوست دارد و هیچ‌یک از شما غذایی گواراتر از دسترنج خود نخورده است (همان).

در نگاه اسلامی، ملاک، رسیدن همه افراد به رفاه

روزی رسول اکرم ﷺ با اصحاب نشسته بودند، جوان توانا و نیرومندی را دیدند که اول صبح به کار و تلاش مشغول شده است. کسانی که همراه آن حضرت بودند گفتند: اگر این جوان، جوانی و نیرومندی خود را در راه خدا به کار می‌انداخت، این جوان شایسته مدح و تمجید بود.

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: اگر این جوان برای معاش خود کار و تلاش می‌کند که در زندگی، محتاج دیگران نباشد، او با این عمل در راه خدا قدم برمی‌دارد. همچنین اگر کاری که انجام می‌دهد به نفع پدر و مادر، ضعفا و یا کودکان ناتوان باشد و یا با قصد تأمین زندگی آنان کار نماید و آنها را از مردم بسی نیاز سازد، باز هم در راه خدا کار نموده است (محدث نوری، ج ۲، ص ۴۱۷).

امروزه یکی از اتفاقات نامبارک در بسیاری از کشورهای اسلامی، میزان انجام ساعات بسیار اندک کار مفید آنان در هر روز می‌باشد که در مقایسه با برخی کشورهای غیرمسلمان غرب و شرق، بسیار قابل توجه است و چه بسا یکی از عوامل عقب ماندگی و وابستگی مسلمان را باید در موضوع عافیت طلبی مسلمانان و اتکا به منابع غنی نفت و گاز و معادن این کشورها بیان نمود.

اگر در جامعه‌ای براساس تعالیم دینی عمل شود و کار کردن، یک ارزش مادی و معنوی تلقی گردد، فرهنگ کار تقویت شود و مسلمانان در پی چنین اندیشه‌ای به دنبال ابتکار عمل، خلاقیت، رشد و توسعه به معنای واقعی برآیند، قطعاً وضعیت به گونه‌ای دیگر رقم خواهد خورد.

خداآوند متعال خطاب به داود پیامبر ﷺ می‌فرمایند: «انک عبد صالح لولا انک تاکل من بیت المال» (همان، ۴۱۷)؛ تو بندۀ بسیار خوبی هستی، اگر از بیت‌المال نمی‌خوردی.

او حرام نخورده بود ولی این دستور کنایه از این است که برای این پیامبر، مصرف بیت‌المال، تنها عیب و نقص اوست. داود نبی ﷺ با تأسف و گریه عرض کرد: پروردگارا چه کنم که این نقص مرتفع شود؟ خداوند متعال

زره‌سازی را به او تعلیم فرمود و پس از آن حضرت داوود^{علیہ السلام} به این وسیله از حاصل کار و تلاش خود امرار معاش می‌نمود. پیامبر خدا، علاوه بر کار و تلاش توانست، خدمات اقتصادی اجتماعی را برای جامعه خویش در بر داشته باشد. او توانست با ساخت زره، سپاه خود را در مقابل دشمنان مجهز و مسلح سازد.

امام کاظم^{علیہ السلام} می فرماید: «رسول الله^{علیہ السلام} و امیر المؤمنین^{علیہ السلام} و ابائی کلهم کانوا قد عملوا بایدیهم و هو من عمل النبیین و المرسلین و الاوصیاء و الصالحین» (همان)؛ پیامبر خدا^{علیہ السلام} و امیر المؤمنین^{علیہ السلام} و پدران بزرگوارم کسانی بودند که با دست‌های خود کار می‌کردند و کار و کارگری سیره انبیاء و صالحان بوده است. الگوهای انسانی بشریت، در مسیر کمال و رشد معنوی دارای نگاهی زاده‌انه و قناعت پیشه بوده‌اند و با این روش، زندگی در دنیا نباید سیار سخت باشد و اندک تلاش و کاری، روزی محدود دنیایی آنها را تأمین می‌ساخته است، اما آنچه در تاریخ و سیره آنان قابل ملاحظه است، کار و تلاش سخت و طاقت فرسایی است که در کارنامه انبیاء و اولیاء الہی^{علیہ السلام} مشاهده می‌گردد که همگی آن اقدامات، نشان از آن دارد که آنها برای تأمین مایحتاج سایر افراد نیازمند و ناتوان و رفع ضرورت‌های جامعه خویش، بار مضاعفی را متحمل می‌شده‌اند.

امام باقر^{علیہ السلام} می فرمایند: «ممن طلب استغفارًا عن الناس و سيعينا على اهله و تعطفًا على جاره لقى الله عزوجل يوم القيمة و وجهه مثل القمر ليلاً البدر» (حر عاملی، ۱۳۸۵، ج ۱۲، ص ۱۹)؛ کسی که طلب کند کسب و کار حلال را و نیت او در این کسب و کار، آن است که نه تنها خود و خانواده‌اش از مردم بی‌نیاز باشد، بلکه مقداری هم به همسایگان خود توجه کند و کمک کند این فرد روز قیامت خدای خود را در حالی ملاقات می‌کند که دارای صورتی نورانی مثل ماه شب چهارده است.

عزم ملی، یعنی آن که اراده و منافع جامعه و مردم بر منفعت شخص، گروه و حتی جناح و حزبی خاص، دارای اولویت و برتری خواهد بود، لذا در سرمایه گذاری، کسب سود و ثروت، تأمین معاش و... سایر افراد جامعه به فراموشی

سپرده نخواهند شد و نفرات مختلف، در انجام کار و تلاش و همت، رشد تولید، کسب درآمد مناسب، تقسیم سختی‌ها و مشکلات، تأمین رفاه و آسایش، همچون حقلهای از زنجیر بزرگ و به هم پیوسته جامعه می‌دانند.

بنابراین یکی از تفاوت‌های دیدگاه‌های اسلامی با غیراسلامی و نظام سرمایه‌داری غرب، در عدم بی‌تفاوتی نسبت به سایر افراد خانواده و جامعه می‌باشد که زندگی در حکومت اسلامی را با سایر دولتها و حکومتها متمایز می‌سازد. کما این که این روش به عنوان نگرشی صحیح و لازم الاجرا در دوران حکومت جهانی مهدوی علیه السلام در بین افراد جامعه تسری یافته و به کامل‌ترین وجه انجام خواهد گرفت.

کار، تلاش و سرمایه گذاری در اسلام

در جامعه اسلامی همه افراد در برابر جامعه، دارای تکلیف بوده و بی‌تفاوتی معنایی ندارد و اندیشمندانی همچون ابن خلدون و فارابی، علل عمدۀ پیدایش جوامع را موضوع «تقسیم کار» بیان داشته و بنابر این نظریه با توجه به تقسیم کار، هر یک از اعضاء جامعه دارای سهم و وظیفه می‌باشند، که این تقسیم، فوایدی همچون: افزایش مهارت افراد، جلوگیری از اتلاف وقت، منابع و انرژی، رشد ابداع، نوآوری و اختراعات... را در بر خواهد داشت.

حضرت علی علیه السلام برخی آثار تقسیم کار را رفع مایحتاج ضروری زندگی افراد (ر.ک: دشته، حکمت ۲ و ۳، ص ۱۹۹)، تخصصی شدن امور و امکان سازی برای موفقیت و شکوفایی افراد و جامعه (همان، حکمت ۴۰۳، صص ۷۲۷ و ۷۲۶)، رعایت حقوق و تکالیف افراد بنابر جنسیت و توانایی آنان، به عنوان نمونه در مسأله کار میان زن و مرد (همان، نامه ۳۱، ص ۱۱۸) و در نهایت افزایش بهره‌وری و جلوگیری از اتلاف وقت و انرژی را (همان، ص ۱۱۹) برمی‌شمارند و توضیحات کاملی را بیان داشته‌اند.

اقتصاد مقاومتی، همان نقشه راهی است که رهبر معظم انقلاب طیل، در رسیدن

به اقتصادی شکوفا و مترقی و بدون وابستگی به استکبار و استعمار رهنمای ساختند. در تحقق و رسیدن به شکوفایی اقتصادی مؤلفه‌هایی همچون نیروی کار، فرهنگ کار و تلاش، از مهم‌ترین عناصری است که بدون عنایت به آنها، تحقق اقتصاد مقاومتی امری ناممکن خواهد بود.

در اسلام داشتن سرمایه و کسب روزی زیاد مورد مذمت نبوده و کسی را از «کار» محروم نساخته است. از دیدگاه علی‌الله^ع در جامعه یکی از حقوق اولیه مردم این است که همه حق دارند شاغل باشند (دشتی، ۱۳۷۹، صص ۴۴۷ و ۴۶۴، خطبه ۹/۲۳۰).

کار درست، فی نفسه، کوچکی و یا بزرگی ندارد؛ مگر با توجه به کاری که انجام می‌دهند و هر کس اعم از مرد و زن پاداش کار خود را خواهد دید. آنچه مورد نکوهش بوده، علاقه به مال دنیا و وابستگی به رذایل اخلاقی دنیایی است. داشتن درآمد بیشتر، انفاق، وقف و کمک به دیگران مورد سفارش مؤکد اسلام بوده است.

عبدالاعلی می‌گوید: در یکی از روزهای بسیار گرم تابستان با امام صادق علی‌الله^ع برخورد کردم، دیدم آن حضرت از کار سخت مزروعه بسیار خسته بود و برمی‌گشت، به ایشان عرض کردم: فدای شما، جایگاه شما در نزد پروردگار مشخص و قرباتان با رسول اکرم علی‌الله^ص بر همگان عیان است. چرا در چنین روز گرمی به این سختی کار می‌کنید؟ امام علی‌الله^ع فرمودند: کار می‌کنم تا از افرادی مثل تو بی‌نیاز باشم. بی‌نیازی از غیر خدا، عزت است (شیخ صدوق، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۹۸).

در آئین اسلامی قرار نیست، بی‌نیازی فرد، سیر بودن او و یا رفاه و آسایش شخصی، موجب توقف او از کار و تلاش و یا بی‌تفاوتی وی در قبال سایر افراد جامعه گردد. امیر مؤمنان علی‌الله^ع، زاهدترین مخلوق در نزد خالق بودند، اما شاید در دوران حیات ایشان، کسی را پرکارتر از وی نتوان نام برد. دائم مشغول حفر قنات و توسعه نخلستان‌ها و... بودند و این فعالیت‌ها در حالی بود که ایشان پس از

فراغت از حفر هر چاه آب، آن را وقف ایتم و مستمندان و امور الهی می نمودند و یا از درآمد این امور پرمشقت، افراد بسیاری را از اسارت و بندگی نجات داده و با آزادی آنان، زمینه سعادت و رشد و کمال آنها را فراهم می آوردند.
﴿۳۹﴾

حضرت علی علیہ السلام می توانستند به اندازه نیاز خویش تلاش کرده و بقیه ساعات زندگی خود را صرف رفاه و خوش گذرانی نمایند، اما رفتار ایشان، به عنوان الگویی برای جامعه اسلامی، درسی است که آدمی باید با کمک به هم نوعان، روح دیگر خواهی را در خود تقویت کند و دست تهی دستان و افتادگان را بگیرد و خود را در چرخش تولید و پیشرفت جامعه اسلامی سهیم و تأثیرگذار بداند.

خداآوند در قرآن کریم می فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» (بلد/۴)؛ یعنی ما انسان را در رنج و مشقت آفریدیم. البته باید دانست که خالق هستی حکیم است و هر تصمیم و عمل او منطبق بر حکمت می باشد، بنابراین شنیدن تمثیلی در این بخش، ما را در فهم این که چرا انسان در دنیا در سختی و مشقت آفریده شده است، تا حدودی کمک خواهد کرد.

روزگاری دریا طوفانی شد و تلاطم، دریا را فرا گرفت. ماهیان درون دریا به خالق هستی گله کردنده که خدایا، این تلاطم، آرامش ما را به هم زده و موجب مشقت ما شده است. بنا به درخواست و دعای ماهیان، دریا آرام گرفت و چندی نگذشت که آرامش دریا موجب حضور صیادان شد و ماهیان دریا، یکی پس از دیگری، گرفتار دام صیادان می شدند. در آن هنگام، رو به خالق خود کردنده و گفتند: خدایا! ما تو را به خاطر طوفان رحمت، شکر می کنیم و از این که ناشکری رحمت نمودیم از محضرت، عذر خواهیم.

نقل است روزی که پیامبر ﷺ از جنگ تبوک بر می گشت، «سعد انصاری» به استقبال ایشان رفت. در هنگام مصافحه وی با پیامبر، علت زبری کف دست او را سؤال نمود. سعد انصاری جواب داد، یا رسول الله ﷺ من با رسیمان و یل کار می کنم تا هزینه خانواده ام را تأمین نمایم. پیامبر ﷺ دست او را بوسید و به او

گفت: «این دستی است که آتش به آن نمی‌رسد» (حر عاملی، ج ۱۲، ص ۱۲). در بین ماهیانی که در رودخانه و یا استخراهای معمولی پرورش می‌یابند، کارشناسان معتقدند که ماهیان رودخانه‌ای از قوت و قدرت بیشتری برخوردارند، زیرا حرکت ماهیانی که در رودخانه زندگی می‌کنند، چون دائم در جهت مخالف مسیر آب حرکت می‌کنند بدن و استخوانی مقاوم‌تر دارند پس می‌توان گفت، شاید یکی از حکمت‌های انسان‌هایی که با سختی و مشقت دنیا روبرو هستند به نوعی تقویت آنها در برابر سختی‌های بزرگی خواهد بود که مردانه با آن مقاومت خواهند کرد؛ ولی متأسفانه مرفهین دنیاطلب به راحتی در مقابل کم‌ترین دشواری‌ها خود را به سپاه کفار و یا مشرکین به خداوند پیوند خواهند زد. تحمل سختی‌های هشت سال دفاع مقدس، موجب استقلال و اقتدار امروز ملت ایران شد. جامعه کارگری در امتحان بزرگ دوران انقلاب و دفاع مقدس نشان داد که از بُن دندان دارای وجودان دینی و ملی است و کار و مجاهدت شبانه روزی و مخلصانه ایرانیان، امروزه موجب هویت و اقتدار ملی گردید. لذا در دیدگاه اسلامی، عافیت طلبی مورد نکوهش و سرزنش است و اصولاً جایگاهی برای آن مطرح نمی‌باشد، پس به اشتباه و خطأ رفته‌ایم، اگر تصور کنیم که نشستن در مسجد و دائم ذکر گفتن و یا روزه گرفتن و جدا شدن از کار و تلاش، ما را به رشد و کمال خواهد رسانید.

دو نفر از اصحاب رسول خدا^{صلی الله علیه و آله و سلم} در حالی که یکی از آنها برادر دیگر خود را بر دوش می‌کشید بر رسول^{صلی الله علیه و آله و سلم} وارد شدند. حضرت حال آن شخص را پرسید، عرض کرد: از هیچ نمازی خارج نمی‌شود، مگر این که وارد نماز دیگر شود و هیچ روزه‌ای افطار نمی‌کند، مگر این که روز دیگرش را روزه می‌گیرد. اکنون حالش همین طور است که مشاهده می‌کنید. حضرت فرمود: پس چه کسی شترش را می‌چرخاند و چه کسی برای اداره خانواده‌اش کار و تلاش می‌کند؟ عرض می‌کردند: ما متحمل کارهای او هستیم. حضرت^{صلی الله علیه و آله و سلم} فرمودند: شما از او برتر هستید (نوری، ج ۲، ص ۴۱۷).

در انجام عبادت خدا چه کسانی را می‌توانیم بالاتر و بهتر از پیامبر اسلام علیه السلام، امیر مؤمنان و حضرات معصومین علیهم السلام نام ببریم؟ بخش زیادی از وقت این بزرگواران صرف کار و تلاش و آبادانی و کسب حلال و رسیدگی به امور مسلمانان و ایتمام و مستمندان می‌شد.

پس مشاهده می‌شود که بی‌کاری، راحت‌طلبی و بی‌تفاوتش در مکتب اسلام همواره مورد تنفر می‌باشد.

امام علی علیه السلام در هشداری، بی‌کاری و تن پروری را نکوهش کرده و فرموده است: «با اراده سست، ضعف پیشگی، و گرایش به بی‌کاری، بعيد است که انسان به سعادت برسد» (دشتی، حکمت ۱۲۲).

کم اهمیتی به کار و روی آوردن به تبلی و بی‌کاری، در حوزه‌های مختلف فرهنگی سیاسی و اقتصادی، به عنوان معضلی زیان بار و خسارت‌آفرین معرفی شده است که عقب ماندگی، فساد و نابهنجاری‌های اجتماعی، بزهکاری، نامنی، رکود و ورشستگی، از پیامدهای آن است. بی‌توجهی به این روند نامبارک، آسیب‌های جدی و غیرقابل جبرانی را برای جامعه اسلامی در پی خواهد داشت. یکی از بزرگ‌ترین آفت‌ها، عدم شکوفایی و از بین رفتن عزت، غرور و هویت انسانی خواهد بود که آن کشور، آرام آرام به جامعه‌ای وابسته، محتاج و عقب مانده تبدیل خواهد شد.

از نگاه حضرت علی علیه السلام افرادی که در عمل و کار کوتاهی و سستی کنند، پیامدهای سوئی برایشان است. آن حضرت فرمودند: «من قصر فی العمل ابتلى بالله» (دشتی، ۱۳۷۵، حکمت ۱۲۲، ص ۵۳)؛ کسی که در عمل کوتاهی کند، به غم و اندوه دچار شود.

بنابراین همان گونه که دیدبان تیزبین انقلاب اسلامی و رهبر فرزانه ایران اسلامی، به درستی این آفت و آسیب را رصد نمودند، برای استقرار امنیت، حفظ اقتدار، رشد، توسعه، بالندگی، ریشه‌کن شدن فقر و بیکاری، باید کار و تلاش و عدم توقف در مسیر توسعه را که موجب ضمان انقلاب و حفظ نظام و عزت

جامعه اسلامی است، جدی گرفت و شعار بیکاری و تعطیلی را از بلاد مسلمین حذف نمود.

امروزه عافیت طلبی و در جستجو بودن برای کارهای آسان، بی کاری، انداختن با رخود بر دوش دیگران را، باید نوعی تهاجم فرهنگی دانست که متأسفانه در این تهاجم، فرهنگ کار و تلاش و افتخار به انجام کارهای سخت و قبول مسؤولیت در سختی ها و دشواری ها، از طرف نظام سرمایه داری و استثمار مورد هجمه و تهدید قرار گرفته است.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ با افراد بی کار به سردی برخورد می کرد و آشکارا نارضایتی خود را نشان می داد. ایشان روزی مرد نیرومندی را دید، با تعجب پرسید: آیا حرفه ای دارد؟ گفتند: بی کار است. فرمود: او که کار نمی کند، ارزشی ندارد و فرمودند: «طَلْبُ الْحَالِ فَرِيْضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ» (سعیری، ص ۳۸۹، حدیث ۱۰۷۹)؛ کار کردن برای کسب مال حلال، بر هر مرد و زن مسلمان واجب است.

نکته ای که در این جا باید یادآور شویم، عدم علم انسان نسبت به وضعیت فردا و فرداهای خویش و جامعه می باشد. شاید سرمایه و درآمد فردی برای او کفايت کند و شاید چند ساعت کار روزانه برای تأمین معاش فعلی او کفايت کند، اما چنانچه برای فردای آن شخص و یا جامعه او، بیماری یا مشکل و بلایابی طبیعی رخ داد، چگونه روزگار خود را سپری خواهد کرد. ماجرای قحطی عصر یوسف نبی ﷺ، شاهد خوبی برای این ادعاست (ر.ک: قرآن کریم، ترجمه سوره یوسف).

اگر شخصی به امید این که فعلاً سالم است و کار خواهد کرد، و با این دیدگاه، بخشی از فرصت و ایام خود را به بطالت و تعطیلی گذرانید و روزی به بیماری شدیدی مبتلا شد که کار کردن برای او ممکن نشد، وضعیت ادامه حیات وی چگونه خواهد بود؟

در دوران حضرت یوسف ﷺ، کارهای روزمره و عادی مردم، زندگی و

معیشت آنان را کفایت می‌کرد، اما اگر تعبیر رؤیای صادقهٔ پیامبر خدا^{علیه السلام} نبود و مردم به کار و تلاش مضاعف نمی‌پرداختند، قطعاً هفت سال دورهٔ خشکسالی و (۴۲) قحطی، روزگار گرسنگی و بدبختی برای مردم آن دیار بود.

امیرالمؤمنین^{علیه السلام} در این مورد می‌فرماید: پیش از کشیدن بار سنگین حیات در سالیان پایانی زندگی و ورود به دار مشاهده نتایج عمر و قبل از دست دادن همهٔ مشاعر و نیروهای خود، کار و تکاپو کنید (جعفری، ۱۳۶۲، ج ۱۳، ص ۲۴۶). پس باید توجه کافی به آثار مخرب تبلی، سستی و تعطیلی داشته باشیم و همواره تأثیر منفی و آفت‌های آن را مدنظر قرار دهیم.

جایگاه «تعطیلی» در آئین اسلامی
بی‌کاری در طول ادوار تاریخ بشر به اشکال گوناگون وجود داشته است. در عصر حاضر نیز یکی از پدیده‌ها در بسیاری از کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه، بی‌کاری و کم‌کاری است.

گرچه در دوران زندگی حضرت علی^{علیه السلام} و صدر اسلام، پدیده مذکور متداول و حاد نبوده است، ولی ایشان به این امر هم توجه داشته و می‌فرمایند: «من أطاع التوانى ضيئ الحقوق» (موسوی خراسانی، ۱۳۷۸، ص ۱۱؛ به نقل از بخار الانوار، ج ۷۳، ص ۱۶۰)؛ کسی که تبلی و سستی پیشه کند، حقوق خویش و دیگران را ضایع می‌کند.

حضرت علی^{علیه السلام} از کسالت و تبلی همواره اجتناب داشته و مردم را به کار و کوشش دعوت می‌کرد و آنها را از بی‌حوصلگی و تن‌آسایی که موجب فقر و تهییضی است، بر حذر می‌داشت (راشدی، ۱۳۷۶، صص ۱۶۵-۱۶۶).

امام صادق^{علیه السلام} می‌فرمایند: «ان الله يبغض كثرة النوم و كثرة الفراغ» (حر عاملی، ج ۱۲، حدیث ۳)؛ خواب زیاد و بی‌کاری زیاد مورد غضب خداست. حضرت موسی بن جعفر^{علیه السلام} فرمود: «ان الله عز و جل ليبغض العبد النوم ان الله ليبغض العبد الفارغ» (همان)؛ به راستی که خداوند خشم دارد به بنده‌ای که زیاد بخوابد و

شخص بی کار مورد غصب خداوند است.

راحت طلبی در نزد خداوند متعال هیچ گاه مورد ستایش و تأیید نبوده و هیچ اجر و قربی برای آن بیان نشده است و ما در اسلام هیچ گاه با واژه تعطیلی روبرو نخواهیم بود که مورد سفارش قرار گرفته باشد و اساساً در آداب اسلامی چیزی به نام تعطیلی را مشاهده نمی کنیم.

نکته قابل توجه آن که، در ایام هفتة مسلمین، یک روز به نام «جمعه» نام‌گذاری شده که علی‌الظاهر امروزه در نگاه عموم مردم، این گونه منصور است که، در آئین اسلام، این روز را برای تعطیلی قرار داده‌اند! در صورتی که با بررسی دقیق متوجه این برداشت نادرست خواهیم شد.

در بعضی از روایات اسلامی آمده است که مسلمانان مدینه، پیش از آن که پیامبر ﷺ هجرت کند، با یکدیگر صحبت کردند و گفتند: یهود در یک روز هفتة اجتماع می‌کنند (روز شنبه) و نصاری نیز روزی برای اجتماع دارند (یکشنبه)؛ خوب است ما هم روزی قرار دهیم و در آن روز جمع شویم و ذکر خدا گوئیم و شکر او را به جا آوریم، آنها روز قبل از شنبه را که در آن زمان «یوم العروبه» نامیده می‌شد، برای این هدف برگرداند، لذا نماز را به صورت جماعت به جا آوردند. در نزد مسلمان آن روز، «روز جمعه» نامیده شد، زیرا روز اجتماع مسلمین بود (مکارم شیرازی، ج ۵، ص ۱۸۵).

بنابراین در مرحله نخست، هدف از این روز، انجام اعمال عبادی و ذکر خدا و شکر او بوده است، نه تعطیلی. در مرحله بعد باید توجه نمود که خداوند متعال در سوره جمعه خطاب به مؤمنین می‌فرماید: **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِي لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعُوا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾** (جمعه/۹)؛ ای مؤمنان! چون آواز دهنده نماز را، یعنی چون بانگ نماز آدینه کنند، روز آدینه بروید و آهنگ به یاد کرد خدای دهید، یعنی به نماز آدینه آید. **﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَاتَّشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾** (جمعه/۱۰)، پس چوبگارند نماز آدینه، را پراکنید در زمین و

بجویید از فضل خدای و یاد کنید خدای را بسیار تا فرا خورد آن، آن بُود که
برهید از عذاب خدای و پیروز گردید به ثواب.

﴿۴۵﴾ اگر تأملی در ترجمة آیه شود، آیه صراحة دارد که پس از اتمام نماز، مجدد
بر سر امور خود برگردید و به آنچه در نزد خداوند دارای فضیلت است، مشغول
شوید.

پس با بررسی دقیق متوجه برداشت‌های ناصواب از روز جمعه شدیم و
می‌بینیم که ما در اسلام چیزی به نام تعطیلات نداریم. در زندگی رسول
خدا ﷺ، که آیات قرآن کریم معجزه او است، خبری از تعطیلی به چشم
نمی‌خورد. او با همه سنگینی مشغله و مسؤولیت‌هایش، برای خانواده‌اش شیر
می‌دوشد و امیر مؤمنان علیهم السلام از باغ و صحراء هیزم می‌آورد و برای مردم سقایی
می‌کرد و در خانه را جاروب می‌نمود و حضرت فاطمه علیها السلام آرد را خمیر می‌کرد
و نان می‌پخت و رسول اکرم علیهم السلام با دست خود هسته خرما می‌کشت و علی علیهم السلام
سنگ و زمین را می‌شکافت و کشاورزی می‌کرد و قنات حفر می‌نمود و با
دست رنج خود هزار بندۀ را آزاد کرد (کار و کارگر در اسلام به نقل از وسائل
الشیعه، ج ۱۲). در حالی که این بزرگواران اولاً بهترین بندگان صالح خدا
می‌باشند و در ثانی هر کدام دارای تعدادی غلام و کنیز بودند، ولی در زندگانی
آنان، تعطیلی جایگاهی نداشته است.

مسلمان واقعی لازم است که ساعات شبانه روز زندگی خویش را به سه قسم
طبقه‌بندی کند: یک قسم به عبادت و امور معنوی، قسمتی برای کار و فعالیت و
کسب درآمد و قسمتی دیگر را برای استراحت و امور منزل.

حضرت علی علیهم السلام فرمود: «للمؤمن ثلاثة ساعات: فساعةٌ يُناجي فيها ربه، و
ساعةٌ يَرُم معاشه، و ساعةٌ يُخلِّي بين نفسه وبين لذتها فيما يَحِلّ و يَجْمل و ليس
للعاقل أن يكون شاكحاً إلا في ثلاثة: مَرْمَةً لمعاش، أو خطوةً في معادٍ، أو لذةً في
غير مُحرَّم» (دشتی، حکمت ۳۹۰، صص ۷۲۴-۷۲۵؛ مؤمن باید شبانه روز خود را
به سه قسم تقسیم کند: زمانی را برای نیایش و عبادت پروردگار، زمانی را

برای تأمین هزینه زندگی و زمانی را برای خود و لذت‌هایی که حلال و زیباست. خردمند را نشاید جز آن که در پی سه چیز برود: کسب حلال برای تأمین زندگی، یا گام نهادن در راه آخرت، یا به دست آوردن لذت‌های حلال.

بنابراین باید زندگانی و سیره امامان مucchom علیهم السلام و پیامبر اسلام علیهم السلام برای انسان‌ها الگویی قرار گیرد و همان گونه که ایشان ساعات زندگی خود را به سه بخش تقسیم می‌کردند و در این تقسیم بندی، یک سوم را برای عبادت، یک سوم را برای کار، تلاش، امور حکومت و یک سوم دیگر را برای استراحت و امور معيشت و خانواده و دیگران اختصاص می‌دادند، ما هم این مسیر درست را انتخاب نماییم. لذا استراحت و تجدید قوا برای ادامه زندگی و تکالیف مدنظر می‌باشد، ولی واژه‌ای به نام تعطیلی هرگز توصیه نشده است.

کار و تلاش، باید کامل و برای خدا باشد

حضرت علی علیه السلام اخلاص را از ملاک‌ها و معیارهای کار و فعالیت شمرده و فرموده‌اند: «خیر العمل ما صحبه الإخلاص» (شیخ الاسلامی، ج ۲، ص ۱۰۴۶)؛ بهترین عمل آن است که با اخلاص همراه باشد. و یا بیان دیگر ایشان که: «صلاحُ العمل بصلاح النية» (همان، ص ۱۰۴۸)؛ صلاح و درستی عمل به خالص بودن نیت است.

از این بیانات استنباط می‌شود که اخلاص در عمل یکی از شرایط مهم در کار و فعالیت است؛ زیرا عمل خالص علاوه بر نفع شخصی و مادی برای افراد دارای منافع اخروی است؛ همچنین در اصلاح و گرایش مردم و جامعه به سوی کمال و سعادت دنیوی و اخروی نقش ارزش‌دار دارد. محمد بن منکدر گوید: امام باقر علیه السلام را در روز گرمی می‌دیدم که کار می‌کرد و عرق می‌ریخت، با خود گفت: سبحان الله. پیرمردی از بزرگان قریش با این حالت و در این وقت گرما در طلب دنیاست، باید او را نصیحت کنم، خدمتش رفتم و بعد از سلام گفتم: خدا شما را اصلاح کند. بزرگی از بزرگان قریش باید با این حال و در این وقت در

طلب دنیا باشد؟ آیا فکر نمی کنی در این حالت مرگت فرا بر سد؟ فرمود: اگر در این حال مرگم بر سد، در وقتی رسیده که در یکی از طاعتها خدا می باشم (دفتر فرهنگی تبلیغات اسلامی وزارت کار، ص ۵۲).

طبق بیان امام معصوم علیہ السلام، کار کردن اطاعت از خداست، اما کاری که حرام و باطل نباشد و برای رضا و تقرب خدا باشد. وقتی کار برای رضای خدا بود، چه در باستان باشد، چه معلمی باشد، چه در بخش انرژی هسته یا ساخت مسجد و... بنابر روایت امام صادق علیہ السلام و امام رضا علیہ السلام (ر.ک: قرطبی، بی‌تا)، ج ۵، ص ۸۰ ذیل آیه ۳۶ سوره نساء، همگی آنها در زنده بودن اجر مجاهد و در کشته شدن اجر شهیدان در راه خدا و یا حتی بیشتر از آنها را دارند.

بنابراین در مکتب اسلامی کار کردن، نه تنها دنیاطلبی محسوب نمی گردد، بلکه از عباداتی است که اگر انسان در این مسیر کشته شود، اجر شهید را می برد، منوط به این که حرکت او و کار کردن وی، بانیت قرب الهی باشد (ر.ک: محدث نوری، ج ۲، ص ۴۱۷).

پیامبر اکرم علیه السلام می فرمایند: «اذا عمل احدهم عملاً فليتقنه» (پاینده، ۱۳۷۸، حدیث ۱)؛ هر کسی که کار می کند، باید آن را خوب انجام دهد. یکی از موارد کار خوب، ماندگاری آن است و قرآن دنیا را فانی معرفی می کند و آن که باقی است، تنها خداوند متعال است. پس اگر کاری می خواهد باقی بماند، باید برای خدا باشد. پیامبر اسلام علیه السلام در حدیث دیگر می فرمایند: «اذا كان يوم القيمة نادى مناد من عمل عملاً لغير الله فليطلب ثوابه ممن عمله له» (همان، حدیث ۲۳۳)؛ وقتی روز رستاخیز درآید، منادی بانگ می زند که هر کس کاری برای غیر خدا انجام داده پاداش خود را از آن کس که برای او کار کرده می گیرد. روایتی دیگر از رسول اسلام علیه السلام: «ان احب عباد الله من حب اليه المعروف حب اليه فعاله» (همان، حدیث ۵۷۹)؛ محبوب ترین بندگان خدا نزد وی، کسی است که کار نیک را محبوب او ساخته و میل انجام آن را در دلش انداخته است. یا این که «ان الله تعالى يحب اذا عمل احدهم عملاً ان يتلقنه» (همان، حدیث ۷۴۶)؛

خداآوند دوست دارد که وقتی یکی از شما کاری می‌کنید آن را کامل کنید. پس باید توجه داشت، کسی که متعهد می‌شود تا کاری را برای خدا انجام دهد، آن کار و عمل را ناقص رها نخواهد کرد!

پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: «مان قبیل العمل مع العلم كثير و كثير العمل مع الجهل قليل» (همان، حدیث ۸۷۳)؛ کار اندک که با بصیرت و دانش انجام گیرد، بسیار است و کار بسیار که با نادانی و جهل صورت پذیرد، اندک است، که به نظر می‌رسد مراد قصد قربت و دقت و کمال کار باشد.

پیامبر خاتم ﷺ اشاره دارند که: «کل معروف صدقه» (همان، حدیث ۱۴۳۷)؛ هر کار نیکی صدقه است. انجام کار باعث آمرزش گناه است. به یقین کار باطل مد نظر نبوده و نه تنها اجر نخواهد داشت، بلکه موجب خسران و عقوبت خواهد شد، ولی به عکس کار ثواب و خیر، که با نیت قرب الهی باشد، ضمن اجر و مزد دنیوی، موجب آمرزش و مغفرت خواهد شد.

قرآن می‌فرماید: ﴿وَ مَنْ يُؤْمِنْ بِاللهِ وَ يَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفَّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَ يُدْخَلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (تغابن/۹)؛ هر کس در دنیا به خدا ایمان بیاورد و کار صحیح و سالم و شایسته کند، خداوند گناهشان را پوشاند و در بهشت‌هایی که در آن نهرها جاری است داخل کند و در بهشت جاودان متنعم باشد و این همان کامیابی بزرگ است.

رابطه کار و خودباوری و استقلال

تکامل مادی و معنوی انسان‌ها، همیشه در پرتو کار و کوشش بوده، زیرا همه می‌دانیم که بشر در هر زمانی به واسطه کار و فعالیت نیازمندی‌های خود را تأمین کرده و به زندگی خود نشاط بخشیده است.

انسان‌ها همواره در پی تحمل کار، تلاش و سختی، غذای خود را از علف بیابان به بهترین خوراکی‌ها، مرکب خود را از حیوان به هوایپما و منزلشان را از غارها به برج‌های آسمان خراش و مبدل ساخته و به واقع اگر نبود این زحمات،

رفاهی عاید آن نمی‌گردید. قرآن می‌فرماید: «وَأَن لَّيْسَ لِلإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم/۳۹)؛ پس وی به واسطه کار و تلاش توانسته اکثر مشکلات فردی، اجتماعی و معنوی خود را از بین برده و بسیاری از نابسامانی‌ها و دردها و محرومیت‌ها و گرفتاری‌های خود را بطرف نموده و رشد فکری و روحی، علمی و اخلاقی خود را فرونی بخشد.

هر ایرانی مسلمان باید روی پای خود باشد و این فرهنگ غلط استعمار را که می‌گفتد: «ایرانی هیچ کاری را نمی‌تواند انجام دهد» را از بین ببرد. هر کارگر تولید کننده‌ای در حال زنده کردن و مجسم کردن یک فضیلت اسلامی است. در میدان عظیم مبارزه جهادی و مبارزه اسلامی، کار یک مبارزه است. کارگران کشور، در هر نقطه که مشغول کار سازنده‌ای برای آبادانی کشور هستند، بدانند که مشغول مبارزه‌اند. این مبارزه را هر چه می‌توانید با کیفیت بهتر و محکم‌تر انجام دهید. کارگران ما دو کار انجام دادند که در تاریخ ماندنی است. یکی این که نگذاشتند گرداش چرخ کارگاه بخوابد، و کار دوم حضور در صحنه جنگ بود. سخت‌ترین دفاع را کارگران کردند. در بسیج عظیم مردم برای جبهه‌ها طبقات کارگر اکثریت عظیمی را تشکیل می‌دادند. کارگران باید با وجود ان کار، با احساس مسؤولیت، با به کارگیری روح خلاقیت و ابتکار، کار کنند. یک شعار بزرگ انقلاب، یعنی استقلال ملت و کشور، بسته به وجود کارگر و تلاش و زحمت این قشر و احساس حسنی در آنهاست. بحمدالله کارگران در جامعه‌ما، همان طور که از آنها انتظار می‌رفت، عمل کردند. من به کارگران سفارش می‌کنم که در هر بخشی و در هر جایی مشغول کار هستند، این روزها را روز کار بدانند، این دوران را دوران کار جدی تلقی کنند. شما کارگران باید توجه داشته باشید که ادامه حیات شرافتمندانه ملت ایران و حفظ و تداوم شعارها و مواضع با ارزش نظام در مقابل قدرهای عالم و استکبار جهانی با کار و تلاش شماست (پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، پیشین).

تردیدی نیست که اکثر بدیختی‌های مادی و معنوی جامعه و تمام

وابستگی‌های به استکبار، ذلت‌ها، فقرها، محرومیت‌ها و مفاسد فردی و اجتماعی مردم به واسطه توسعه فرهنگ بی‌کاری، تبلی و هوسرانی است. چنان که بیشتر تجاوزات به مال، جان و نوامیس جامعه و افتادن در دامن ستمگران و گرفتاری به اعتیادهای خطرناک و آلودگی به زشتی‌ها و گناهان در اثر عدم کارآمدی داخلی، سستی، بی‌کاری و تن‌پروری بوده است.

دین اسلام کامل‌ترین دین الهی است که برای سعادت دنیا و آخرت مردم و تکامل مادی و معنوی آستان نازل گردیده و در تمام شؤون فردی و اجتماعی انسان‌ها، از جمله در مورد جهد، کار، تلاش و کوشش در جلوگیری از بی‌کاری و سستی، عالی‌ترین قانون و بهترین برنامه را دارد. ارزش و اهمیت واقعی که اسلام ۱۴ قرن پیش با عناوین مختلف و بیانات گوناگون پیرامون «جایگاه کار و نقش کارگر» بیان کرده است، هنوز به درستی مورد توجه مسلمانان و بشریت قرار نگرفته و در هر مکان و زمانی، به هر میزان که از آن آداب و فرهنگ اسلامی بهره برده شده، به همان اندازه به قله‌های افتخار و کمال نزدیک شده‌اند.

روزگاری ایران اسلامی، در همه گونه صنعت و تکنولوژی، وابسته اجانب بود و سرمایه‌های این ملت، به بهانه واردات ناچیزترین و بی‌ارزش‌ترین کالاهای به غارت می‌رفت، اما امام امت پیغمبر با تأسی از فرهنگ اسلامی فرمودند: «ما نان و پنیر خودمان را می‌خوریم و روی پای خودمان می‌ایستیم». مهم‌ترین رکن این اقتصاد از باب فرهنگی، همان به باور رساندن واژه «می‌توانیم» در اعتقاد و ذهن نسل چهارم انقلاب است که باید به آن توجه ویژه و خاص نمود و این مهم مستلزم داشتن عزمی بزرگ همراه با اراده ملی است که باید به منصه ظهور برسد.

ملت ایران با لیک به ندای رهبر خویش، با تلاش و پشتکار خود و تحمل برخی سختی‌ها، امروزه با گذشت کمتر از چهل سال، نه تنها به دور از هرگونه وابستگی، مسیر رو به رشد خود را طی نموده است، بلکه تحریم‌های نظامی، علمی و اقتصادی، دیگر تأثیری بر امور ملت نداشته و با تأسی به فرهنگ کار و

تلاش، روز به روز در عرصه‌های مختلف علمی، فرهنگی، نظامی، اقتصادی، پژوهشکی و... توانمندتر شده و حتی در برخی از سکوهای مهم، دیگران را نیازمند به خود کرده‌ایم.

نتیجه‌گیری

«کار» از نظر اسلام، عمل صالح است و کارگر در نظام اسلامی دارای قداست است. استقلال یک کشور، وابسته به کار است و در اسلام مؤلفه‌ای به نام تعطیلی و راحت طلبی وجود نداشته و از نگاه اسلامی، هیچ ملتی با تن پروری و بی‌اعتنایی به کار به جایی نخواهد رسید و باید گفت، در حکومت اسلامی، کارگر مورد تقدیر، آن کسی است که کار می‌کند تا ملت و کشورش به عزت دست پیدا کند.

اگر در یک کشور، جامعه عمومی آن کشور به کار با این دیدگاه که کار عبادت است و کار ارزش و فضیلت اسلامی است، نگاه کنند، وضعیت توسعه و پیشرفت اقتصادی، فرهنگی و علمی آن کشور، به رشد و تعالی و بالندگی مناسبی خواهد رسید و ابتدا، بی‌کاری، جرم و فساد، روز به روز در حال کاهش خواهد بود. البته در اسلام وقتی کار، عبادت و ارزش شمرده شده است، لازمه‌اش این است که هر کس کاری را قبول کرد و تعهد نمود، آن را به بهترین وجه انجام دهد و آن را به اتمام برساند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آیت الله خامنه‌ای، سید علی، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، www.leader.ir.
۳. بروزگر کلیشمی، ولی الله، ۱۳۷۲ش، جامعه از دیدگاه نهج البلاغه، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، تهران.
۴. برقعی قمی، سید علی اکبر (بی‌تا)، جلوه حق در سیرت امیر مؤمنان علیهم السلام، تهران، انتشارات حافظ.
۵. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۷۸)، نهج الفصاحه، ج ۱، ترجمه جعفر خلیلی، تهران، مؤسسه فرهنگی همسایه.

۶. توسلی، غلامعباس (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی کار و شغل*، سمت، چاپ اول، تهران.
۷. جرداق، جرج (۱۳۷۶)، *امام علی لایل صدای عدالت انسانی*، ج ۱، ترجمه سید هادی خسرو شاهی، قم، نشر خرم.
۸. جعفری، محمد تقی (۱۳۶۲)، *ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه*، ج ۱۳، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۹. حائری شیرازی، محی الدین (۱۳۶۱)، *اخلاق در قرآن*، تهران، مطالعات و تحقیقات فرهنگی تاریخی.
۱۰. حائری شیرازی، محی الدین (۱۳۸۰)، *اخلاص در کار*، قم، مؤسسه پژوهشی علمی فرهنگی طبیعه منطق، وثوق.
۱۱. حائری شیرازی، محی الدین (۱۳۸۰)، *اخلاص در کار و عبادت*، قم، منطق.
۱۲. حرائی، علی بن حسین (۱۳۶۰)، *تحف العقول*، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامی.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۵)، *وسائل الشیعه*، قم، *جامعه مدرسین حوزه علمیه* - دفتر انتشارات اسلامی قم.
۱۴. دشتی، محمد (۱۳۷۹)، *ترجمه نهج‌البلاغه*، قم، مشرقین، چاپ سوم.
۱۵. دفتر تبلیغات اسلامی وزارت کار (۱۳۷۷)، *اهمیت کار و تلاش کارگر در اسلام*، تهران، سازمان چاپ و نشر.
۱۶. راشدی، لطیف (۱۳۷۶)، *فرزند کعبه*، تهران، نشر سبحان، چاپ اول.
۱۶. سازمان امور اداری و استخدامی کشور (۱۳۷۵)، *پیام‌های اداری از نهج‌البلاغه*، تهران، چاپ اول.
۱۷. سعیری، محمد بن محمد (بی‌تا)، *جامع الاخبار*، نجف، المطبعة الحيدرية.
۱۸. شیخ الاسلامی، سید حسین (بی‌تا)، *غور الحكم*، ج ۲، قم، انصاریان.
۱۹. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۷)، *من لا يحضره الفقيه*، ترجمه محمد جواد غفاری، تهران، انتشارات صدوق.
۲۰. قرطی، محمد (بی‌تا)، *تفسیر قرطی*، ج ۵، دارالاسلام.
۲۱. قریشی، شریف (۱۳۶۶)، *کار و حقوق کارگر*، ترجمه ادیب لاری و محصل یزدی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. قمی، شیخ عباس (۱۳۶۳)، *سفينة البحار*، ج ۱، به کوشش فراهانی، تهران، کتابخانه سینایی.
۲۳. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (۱۳۴۴)، *الکافی*، ترجمه جواد مصطفوی، تهران، انتشارات علمیه اسلامی.
۲۴. محمدی ری شهری، محمد (بی‌تا)، *میزان الحكمه*، قم، دارالحدیث.
۲۵. معین، محمد (۱۳۸۸)، *فرهنگ معین*، ج ۳، تهران، امیرکبیر.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر (بی‌تا)، *برگزیده تفسیر نمونه*، ج ۵، قم، مدرسه امام علی لایل.

۲۷. موسوی خراسانی، سید حسن (۱۳۷۸)، «جوان» به نقل از بخار الانوار، ج ۷۳، قم، دار اهل
البیت علیهم السلام.
۲۸. موسوی الخمینی، روح الله (۱۳۶۰)، تحریر الوسیله، به کوشش علی اشکوری، قم،
پژوهشکده امام خمینی.
۲۹. میک، رونالد (۱۳۵۸)، پژوهشی در نظریه ارزش - کار، ترجمه سوداگر، تهران، پازند.
۳۰. نوری، حسین بن محمد تقی (بی‌تا)، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البیت علیهم السلام
لایحاء التراث.

